

الهیات سیاسی وجودی

در نهج البلاغه

دکتر الیاز پروانه‌زاد

۱۴۰۳

سرشناسه : پروانه‌زاد - الناز ۱۳۶۶  
عنوان و نام پدیدآور : الهیات سیاسی وجودی در نهج‌البلاغه / الناز پروانه‌زاد  
مشخصات نشر : تهران : نشر کوبر - ۱۴۰۳  
مشخصات ظاهری : ۲۰۴ ص.  
شابک :

ISBN 978-964-214-412-9

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۹۹] - ۲۰۴.

موضوع : علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت ۴۰ ق. نهج‌البلاغه نقد و تفسیر

موضوع : Criticism and interpretation Ali ibn Abi-talib, Imam I.Nahjol - Balaghah

موضوع : علی بن ابی‌طالب (ع) قفق امام اول، ۲۳ قبل از هجرت ۴۰ ق. دیدگاه درباره سیاست و حکومت

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Views on politics and government

موضوع : انسان (اسلام) : Theological anthropology-Islam

هستی‌شناسی (فلسفه اسلامی) : Ontology Islamic philosophy

الهیات سیاسی : Political theology

شناسه افزوده : علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت ۴۰ ق نهج‌البلاغه. شرح

شناسه افزوده : Nahjol Balaghah.CommantriesAli ibn Abi-talib,Imam I

رده بندی کنگره : BP۳۸/۰۴۲۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی : ۹۴۲۱۵۱۴

ملی



# الهیات سیاسی وجودی در نهج البلاغه

## دکتر الناز پروانه‌زاد

طراح جلد: سعید زاشکانی - چاپ اول ۱۴۰۳ - شمارگان ۲۰۰

شابک: ISBN: 978-964-214-412-9

نشانی: تهران کریم‌خان زند ابتدای قائم‌مقام فراهانی کوی یکم شماره ۲۰ - ساختمان کویر  
تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ - ۸۸۳۴۲۶۹۸ - نامبر: ۸۸۳۴۲۶۹۷ - کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱



[Kavirbook@gmail.com](mailto:Kavirbook@gmail.com)



[KavirPublishingCo](#)



[Kavir.Pub](#)

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

قیمت ۲۱۰۰۰۰ تومان

## فهرست

- پیشگفتار ..... ۹
- مقدمه ..... ۱۵
۱. هستی‌شناسی انسان در هیات وجودی نهج‌البلاغه ..... ۱۷
- ۱.۱ انسان و هیات در نهج‌البلاغه ..... ۱۷
- ۱.۲ مواجهه‌ی انسان با خود وجودی در نهج‌البلاغه ..... ۳۷
- ۱.۳ انسان و رنج در هیات سیاسی نهج‌البلاغه ..... ۴۷
۲. مفهوم "حق و باور وجودی" در هیات سیاسی نهج‌البلاغه ..... ۶۹
- ۲.۱ تفاوت باورمندی و استحسان در نهج‌البلاغه ..... ۶۹
- ۲.۲ اهمیت وجودی حق در هیات سیاسی نهج‌البلاغه ..... ۸۱
- ۲.۳ تجلی جهان‌حقایق در نهج‌البلاغه و مناسبات علی‌بن‌ابی‌طالب با مردم ..... ۸۹
- ۲.۴ باور وجودی به مثابه تجربه دینی در نهج‌البلاغه ..... ۱۰۳
۳. جایگاه انسان در هیات سیاسی نهج‌البلاغه ..... ۱۱۶
- ۳.۱ خود وجودی امام علی در نهج‌البلاغه ..... ۱۱۶
- ۳.۲ هیات سیاسی و مدیریت جامعه در نهج‌البلاغه ..... ۱۲۹
- ۳.۳ زیست وجودی پارسایان در هیات سیاسی نهج‌البلاغه ..... ۱۴۲
- ۳.۴ شخصیت سیاسی امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه ..... ۱۶۳
- جمع‌بندی ..... ۱۹۵
- فهرست منابع ..... ۲۰۱

## پیشگفتار

در اهمیت بحث از جایگاه وجودی انسان در الهیات سیاسی می‌توان به این پرداخت که جهان معاصر با بحران‌های هستی‌شناسانه- معرفت‌شناسانه‌ای روبرو است که اومانیزم، سکولاریسم و نیهلیسم در یک سو قرار دارد و معنازدگی مفرط، بنیادگرایی دینی، تجربه‌زدایی و غفلت از جایگاه حقیقی انسان در سویی دیگر.

در خوانش معاصر از متون دینی که اهمیت آن روز به روز چشمگیرتر می‌شود، نهج‌البلاغه را متنی همیشه پویا و بالنده یافتیم که در پس تفاسیر و تعبیر سنتی و قشری از آن، دارای صورت‌بندی خاصی از جایگاه انسان موحد در الهیات سیاسی توحیدی است. در این صورت‌بندی به تدریج نوعی چارچوب مفهومی شکل می‌گیرد که بر جایگاه وجودی انسان در قلمرو هستی‌دلالیت کرده و در ضمن، آگزیستانس او را میان دو امر الهیات و سیاست به تجربه می‌آورد. بنابراین شالوده مفهومی این نوشتار بر نوعی ملازمه وجودی الهیات و سیاست مفصل‌بندی شده که مبانی خود را از آگزیستانس انسان در-جهان‌اخذ می‌کند. ایده الهیات سیاسی در خوانش معاصر از نهج‌البلاغه ما را به نظامی معرفت‌شناختی می‌رساند که پارادایم‌های الهیاتی-سیاسی را در ماهیت الهیات سیاسی منسجم می‌کند و به تحقیق، بنیادی‌ترین روابط بشری را از مواجهه با الهیات خودشناسی تا پیچیده‌ترین روابط سیاسی -

اجتماعی را در شمولیت خود می گیرد. به تعبیر دیگر، از درونی ترین حالات و باورهای شخصی تا ظرفیت های فلسفه سیاسی در گستراندن «امر خیر» برای تدبیر منزل و جامعه را در استعداد خود نهفته دارد؛ بنابراین با دو گزاره اصلی مواجهیم:

الف) در قلمرو الهیات سیاسی نهج البلاغه، نظام معرفتی وسیعی وجود دارد که امکان معرفت ورزی پیرامون انواع روابط انسانی - به ویژه روابط چهارگانه با خود، با خدا، با هستی، با هم نوع - و بین ادیانی را فراهم می کند و به خوانش انسان امروز می نهد.

ب) جایگاه انسان موحد در الهیات سیاسی نهج البلاغه، بلندایی بی بدیل است که چیزی دیگر به اوج آن نمی رسد.

در مفهوم شناسی این دو گزاره اگر جنبه های الهیاتی سیاست را در نظر نداشته باشیم، چیز زیادی از سیاست به مثابه امر (فلسفه) سیاسی - باقی نمی ماند و نیز اگر جنبه های مرتبط با امر سیاسی را از ادیان بگیریم، وجه قابل توجهی از الهیات به مثابه عامل کانونی در تجربه دینی مغفول می ماند. وجود این تساوق اساسا از آن رو است که انسان ذاتا موجودی الهیاتی و سیاسی است و زیست او در - این - جهان بدون توجه به روابطی که در قلمرو هستی دارد و در نتیجه بدون متعلقات الهیات سیاسی فاقد قاعده ای منطقی خواهد بود. بدین ترتیب، وجود انسان دایر مدار هر سوژه ای است که در منظومه الهیات سیاسی معنادار شده است. در این کتاب، نسبت انسان با الهیات سیاسی، نسبتی وجودی یا اگزیستانسیال است که جوهر مفاهیم را از یک بافتار مفهومی - معنایی منسجم و به هم پیوسته بر می کشد. بنابراین، اگر پرسش های وجودی و سپس الهیاتی انسان با سرشت مدنی او [به مثابه امر سیاسی وجودی] رابطه ای بنیادین داشته باشد، دلیل بر این است که نسبت انسان با الهیات سیاسی نیز همواره نسبتی وجودی و غیر انضمامی بوده است. از طرف دیگر، تفکر حقیقی در باب وضعیت این انسان، عبارت از نظریه های صرفا تاریخی، زبانشناختی، انضمامی یا ایجاد قوانین و قراردادهای اجتماعی وضعی نیست، بلکه ضرورت دارد به سرشت انسان اندیشید و به ویژه در خصوص نیازهای انسان معاصر به ذات مشترک بشریت بازگشت. ایده الهیات سیاسی

وجودی نتیجه‌ای معنادار از چنین پردازشی است که می‌توان از رهگذر تاملات اگزیستانسیالیستی دینی بدان پرداخت و ثبات جایگاه انسان را در آن مورد ارزیابی قرار داد؛ چیزی که در اکثر قریب به اتفاق مکاتب الهی بر آن تصریح شده و هر دینی متناسب با زبان، اصول و ویژگی‌های خود به نوعی با آن موافقت کرده است. بدین روی، تلفیق ساختارمند اگزیستانسیالیسم دینی و الهیات وجودی را می‌توان نظامی معرفت‌شناختی دانست که در سیر تحولات الهیاتی پدید آمده و کاربست منسجم آن، پتانسیلی دارد که همچون شالوده‌ای فلسفی در توسعه مفهومی «الهیات سیاسی وجودی»<sup>۱</sup> قاعده مند می‌شود. این انسان بویژه در فراز و فرودهای نهج‌البلاغه راه رشد خویش را از رهگذر مشارکت دینی و گسترش وجود در متافیزیک هستی یافته است، پس به نظر معقول می‌رسد اگر اندیشه دینی را به عنوان «پدیده دینی»<sup>۲</sup> تجربه کند؛ نتیجه و اثر چنین نگرشی، نوعی از معرفت‌ورزی را پیش روی خواننده می‌نهد که در آن از غلبه فرضیه‌های جزمی و پیش‌انگاری‌های متداول اجتناب شده و صرفاً در پایان یافته‌های چنین خوانشی است که می‌توان به نتیجه رسید و درباره آن داوری کرد. به سخن دیگر، لازمه فهم درست از جایگاه انسان در الهیات سیاسی وجودی نهج‌البلاغه داشتن نوعی همدلی<sup>۳</sup> در شالوده مفاهیم است تا بتوان از رهگذر تجربه دینی به فهم دین رسید. ناگفته نماند که بررسی چنین تجربه‌ای در خوانش نهج‌البلاغه، علاوه بر وجوه الهیاتی - و البته در سائقه‌ای بی‌مرز با آن - خواننده و مفسر متن را به شدت درگیر مسایل منبعث از امر سیاسی، و حتی سیاست ورزی متعین می‌کند. به تعبیر صریح، مطالعه اگزیستانس انسان در نهج‌البلاغه، چندان تفاوتی با مطالعه الهیات در آن نداشته و این هر دو مولفه، در مسیری از کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی است که معنایی آشکار و قابل فهم می‌یابند. بدین ترتیب مطالعه انسان دینی - سیاسی در را می‌توان به مثابه مطالعه «انسان موحد در الهیات سیاسی وجودی» مورد توجه قرار داد.

<sup>۱</sup> . existential political theology

<sup>۲</sup> . religious phenomena

<sup>۳</sup> . empathy

در متدولوژی خوانش وجودی نیز، روش تفسیری اسکینر را مناسب‌ترین روشی یافتیم که علاوه بر وجوب وحدت نظر و عمل، از یک سو لازم است مولف، متن و زمینه‌های اجتماعی را مورد توجه قرار داد و از سوی دیگر، از افتادن به دام مغالطه‌هایی نظیر اسطوره دکترین و اسطوره انسجام پرهیز نمود تا خوانش متن در چارچوبی از قواعد و تضمینات وجودشناختی صورت پذیرد. از این منظر، آنچه در تفسیر وجودی از اهمیت دارد، اولاً درک بنیادین و اگزستانسیال از کاری است که مولف (علی بن ابیطالب) در حال انجام آن بوده و ثانیاً او از انجام این کار مقصود و منظوری داشته که از دیدگاه الهیات وجودی، بر پیوند و اتحادی ناگسستنی با نیت اصلی کنشگر یا نویسنده - گوینده سخن «دلالت» دارد. بخصوص که در واژگان تخصصی از این نوع دلالت به دلالت‌های «مفهومی»<sup>۱</sup> تعبیر شده است. به عبارت دیگر، نیت اصلی امام علی دقیقاً با عمل او در ارتباط ذاتی بوده و کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی - سیاسی او را که در ادبیات هرمنوتیکی، به عنوان مولف [متن نهج البلاغه] می‌شناسیم، نمی‌توان چیزی جدا از عقاید الهیاتی - دینی وی تلقی نمود. این همان اصل وحدت نظر و عمل در هرمنوتیک اسکینر است که مورد اشاره قرار گرفت و خود اسکینر نیز بدان بها داده و صادق بودن مولف در بیان منویات درونی و سپس انجام عمل بیرونی را ملاکی بر فرایند تفسیر دانسته است. (Skinner, 2010: 66). اگر چنین توجهاتی در روش تفسیری اسکینر وجود نمی‌داشت، علاوه بر اینکه نظر محقق را تأمین نمی‌کرد، اساساً امکان دستیابی به نوعی «حکمت جاودانه» در قالب «لایشه جهان گستر» در آن میسر نمی‌شد. (اسکینر، ۱۳۸۰: ۱۰۹).

متناسب با متدولوژی خوانش متن، چارچوب مفهومی این نوشتار یعنی «اگزستانسیالیسم و الهیات وجودی» نیز مقتضی همین مولفه‌های روشی است؛ چرا که آنچه در مکتب فکری اگزستانسیال اهمیتی بسزا دارد، موقعیت انسان (مولف) در این جهان (زمینه) است که افعال، اقوال و نوشته‌های او [متن] را در سنجش

<sup>۱</sup> connotation



تحقیق و داوری قرار می‌دهد. ناگفته نماند رویکرد مفهومی به آن متدولوژی، تمرکز اصلی ما را - همچون خود اسکینر - از زمینه‌گرایی محض، قالب‌های صرفاً متنی و محصور ماندن در پس لغت‌شناسی غیر ضرور باز می‌دارد و هدف اصلی از چنین خوانشی را معطوف به دلالت‌شناسی و نوگرایی مفاهیم پیچیده در متن می‌کند؛ هر چند این متن، متنی کلاسیک و دینی بوده باشد.

در حسن ختام این پیشگفتار، سپاس و امتنان خود را از راهنمایی، همدلی و مساعدت‌های فکری استادان ارجمندم جناب آقایان دکتر ابوالفضل شکوری، دکتر منصور میراحمدی، دکتر مصطفی دلشاد تهرانی، دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی و دکتر سیدمحمد مهدی جعفری بیان می‌دارم که با علم و ادب و اخلاق شان مرا به آستانه نهج‌البلاغه و وجود فعال در آن رسانده و جهانی نو به رویم گشودند. بی‌شک اگر همراهی و تشویق چنین بزرگان متواضع و دانشمندی نبود، و نیز اگر حمایت‌های بی‌دریغ و نگرش متعهد و ارزشمند مدیر مسئول محترم انتشارات کویر و همکاران ارجمندشان شامل حال نمی‌شد، چه بسا در به فرجام رساندن این نوشتار که خوانشی معاصر از متن نهج‌البلاغه و تحلیل برخی آموزه‌های آن است، ناکام می‌ماندم؛ متنی که سویه‌های الهی - سیاسی‌اش، اگر بستانس انسان را در کانون تحولات تاریخ قرار می‌دهد.

## مقدمه

در فرایند تحلیلی - تفسیری متون دینی، ارجاع "الهیات وجودی" به "نهج البلاغه" کاری کم سابقه است که خوانش این متن الهیاتی-سیاسی را مستلزم ملاحظات ظریف در هستی‌شناسی انسان می‌سازد؛ به ویژه، مواجهه‌ی تجربی انسان متاله با آموزه‌های دینی حاکی از اعتقاد عمیق به آن نوع از درست‌اندیشی و راست‌کیشی است که در کنه وجود انسان به ملاء می‌رسد و جان آدمی را در معرض انواع آزمون‌های فردی و اجتماعی قرار می‌دهد.

چنان‌که در مکاتب وجود‌شناختی آمده است، اگر بیست‌سال پس از دینی‌بر مباحث وجودی و نسبت وجود با نامتناهی تأکید می‌کند. در این فلسفه، اراده متعالی به هستی امکان‌حیات داده و در مورد انسان به این امکان، قوه ادراک خود و مبدا و مقصدی که برایش متصور است اعطا گردیده است؛ از این منظر، جایگاه وجودی-الهیاتی انسان در نهج البلاغه دارای اهمیتی زیاد است؛ زیرا "انسان نهج البلاغه" انسانی است که رابطه‌ای دو سویه با خالق خویش دارد و در دو وجه خلوت (نظر) و جلوت (عمل) به خداوند متصل می‌شود. از این دیدگاه به نظر می‌رسد میان روش و کنش الهیاتی-سیاسی علی‌بن‌ابی‌طالب با آنچه به زبان می‌آورد یا به قلم می‌راند نسبتی موثق و موید وجود داشته است. به سخن دیگر، اگر وی از الهیات و معرفت خدا سخن می‌گفت یا در مقوله "حق" اظهار نظر می‌کرد و خویشتن را همچون

بنده‌ای مکلف به اجرا و اطاعت از حقیقت در اختیار سعادت دیگری می‌نهد، در واقع به نوعی از مشارکت در وجود رسیده بود که اهمیت آن جز در تجارب زیستی و مواجهه راستین با موقعیت‌های خاص آشکار نمی‌گردد.

خوانش وجودی از نهج البلاغه فرصتی است تا مدیریت یک پیشوای دینی را که در عین حال زمامداری سیاسی است، مورد بررسی قرار داده و دریابیم جایگاه وجودی انسان در الهیات سیاسی چگونه بر مولفه‌هایی از قبیل تکلیف، عدالت، شوق رشد، گشودن و افزایش بشری دلالت می‌کند و نحوه انسجام شخصیت انسان را ملاکی برای ارزیابی این گزاره قرار می‌دهد که وجود، عین انسان و انسان، محل تجلی حق در منظومه هستی است.

خوانش نهج البلاغه از رهگذر "الهیات وجودی برآمده از اگزیستانسیالیسم دینی" ممکن است کاری نافذ منابع مطالعاتی مستقیم باشد، اما آن نوع تقوایی که مورد نظر علی بن ابی طالب است و مفسران و محققان نهج البلاغه نیز از آن سخن گفته‌اند، در واقع واکنشی فی نفسه وجودی است که انسان را از یک سو به خداوند و از سوی دیگر به عوامل و عناصر جهان متعین متصل می‌کند. بررسی این نظام پیچیده و دشوار که آزمونی برای حضور انسان‌ها در - جهان محسوب می‌شود در نهایت به نوعی پارسایی وجودی می‌رسد که باسداشت آن در حوزه الهیات سیاسی کاری سترگ و شایسته انسان‌های خاص است. انسان‌هایی که با مشارکت عملی خود در توسعه وجود نشان می‌دهند جایگاه آدمی در ایمان ورزی و مدیریت مدنی هم‌نوع، جایگاهی اصیل و بی‌بدیل است.

در خلال مطالب پیش‌رو می‌کوشیم انواعی از تعاملات - تقابلات علی بن ابی - طالب را از منظر الهیات اگزیستانسیال بررسی کرده و ضمن خوانشی وجودی از متن، دقیق این مکتب را با حالات و ویژگی‌های خالق/مؤلف [در ادبیات هرمنوتیکی] نهج البلاغه مورد ارزیابی قرار دهیم.